

پیشگیری از انحرافات اخلاقی، از طریق توجه به تکالیف درسی

محسن ایمانی



مورد توجه قرار دهیم. البته این امر منوط به فراهم آمدن آشناییهای بیشتر با اثرات و کاربرد تکالیف درسی است که ما به بحث درباره آن می پردازیم. بدان امید که خوانندگان عزیز با راهنماییهای خود، ما را در تدوین بهتر این گونه مباحث یاری نمایند. این مقاله را به معلمان عزیز و مربیان گرامی و تمامی کسانی که در دورترین نقاط

رشد اخلاقیات و تکامل سازگاری اجتماعی و پیشگیری از انحرافات هستیم. امید است پس از واقف شدن به نقش ارزشمند تکالیف درسی، در بهره برداری درست و اصولی از آن، که به عنوان ابزاری در دست معلم است و به کمک آن می تواند اهداف آموزشی و تربیتی را تحقق بخشد، دقت و مراقبتهای لازم را به عمل آوریم، و آن را به نحو احسن

شاید نخست برای برخی از خوانندگان محترم در بدو امر این مسئله عجیب تلقی شود و برای بعضی تصور آن مشکل باشد که تکالیف درسی تا این اندازه می تواند سودمند باشد. و به عنوان مانعی بر سر راه ابتلای دانش آموزان به انحرافات محسوب شود. ما در این بحث درصدد اثبات اهمیت تکالیف درسی و نقش و بررسی اثرات آن بر

وطن اسلامی به امر تعلیم و تربیت فرزندان این مرز و بوم، که فرزندان امام قدس الله نفسه الزکیه می باشند، تقدیم می داریم به آنانی که قلبشان با یاد امام و راه او می طبد و تمامی تلاششان تحقق بخشیدن به آرمانهای الهی اوست.

تعریف تکالیف درسی

تکالیف درسی شامل وظایف و نمرتهایی است که از سوی معلم برعهده شاگردان نهاده می شود. و دانش آموز موظف به انجام دادن آنهاست - طبیعی است برخی از تکالیف درسی را دانش آموزان در مدرسه و قسمت عمده ای از آن را در خانه انجام می دهند -

تکالیف درسی، سدی در برابر انحرافات

یکی از عواملی که منجر به ابتلای به فساد در آدمی می شود، مسئله بیکاری است. بیکاری آنگاه دامنگیر انسان می شود که وی فاقد مشغولیت‌های سالم و سازنده باشد. نداشتن فعالیت‌های سالم و معجاز، علاوه بر آنکه موجب بیکاری و اتلاف وقت دانش آموزان می شود، بلکه در بسیاری از مواقع آنان را به سوی فعالیت‌های انحرافی سوق می دهد. امروزه بسیاری از مشکلات اخلاقی و تربیتی که در بسیاری مواقع دامنگیر عده ای از دانش آموزان شده است، حاصل بیکاری آنان بوده است.

بر اساس یکی از بررسیها و تحقیقات انجام شده، اغلب دانش آموزانی که دچار انحرافات اخلاقی و تربیتی هستند، در درس خود نیز توفیقی نداشته و نمرات درسی آنها در سطوح پایین بوده است. طبیعی است، دانش آموزی که وقت زیادی را صرف مطالعه نمی کند و یا به انجام دادن تکالیف محوله همت نمی‌گمارد، نسبت به دانش آموزی که در قبال انجام تکالیف

احساس مسئولیت می کند، از فرصت و زمان بیشتری جهت فراگیری و ارتکاب تخلفات برخوردار است. در حالی که دانش آموزی که دارای اشتغالات درسی و مدرسه ای است، کمتر فرصت فراگیری اعمال انحرافی و ارتکاب به آنها را دارد. و بدیهی است در این زمینه او از مصونیت بیشتری نیز برخوردار است. دانش آموزانی که وقت چندانی برای انجام دادن تکالیف درسی خویش صرف نمی‌کنند، فرصت می‌یابند تا فرضاً در خانه به بحث و مشاجره با والدین و سایر اعضای خانواده که گاه به خشونت نیز می‌انجامد، بپردازند. و یا با همسالان همفکر خود کنار معابر و سرگذر جمع می‌شوند و ضمن ولگردی و پرسه زدن موجبات مزاحمت رهگذران و عابران را نیز فراهم می‌آورند، و یا مرتکب بزهکاری می‌شوند. و چه بسا ممکن است با برخی باندهای مواد مخدر و سرقت و

* اطلاع والدین از میزان تکالیفی که برعهده دانش آموزان نهاده می شود و مساعدتهای فکری آنان، به بهبود کیفی تکالیف دانش آموزان می‌انجامد.

با گروههای فساد ارتباط برقرار نمایند و خدای ناکرده تا آنجا به پیش بروند که از انجام دادن تخلفات عمده نیز پروایی نداشته باشند. و یا در اثر بیکاری و در خود فرو رفتن رفته رفته به مواد مخدر روی آورند، و یا در اثر عدم مراقبت والدین، زودتر از معمول به بستر بروند و یا کسب‌کارهای در خویش به خودارضایی مبتلا شوند و یا سر از انحرافات دیگری درآورند، و یا به لحاظ عدم احساس

مسئولیت در قبال انجام تکالیف، راهی خانه های دوستان منحرف شوند، و در آنجا به نمایش فیلمهای مبتذل و محرک و ویدئو کاستهای وقیحانه بپردازند و دچار انحرافات عمده تر و بیشتری بشوند، تردید نیست که نوجوانان از امکان لغزش بیشتری برخوردارند. لیکن مواردی که اشاره شد برخی از انحرافات است که در اثر نداشتن اشتغال مناسب، دامنگیر دانش آموزان می شود و برعکس نداشتن فرصتهای زیاد و اشتغال به امور تحصیلی مانع مهمی بر سر راه ابتلا به انحرافات محسوب می شود.

نمرات درسی وسیله ای جهت کشف مشکلات

نمرات درسی که شاگرد پس از انجام تکالیف خود و یا پاسخ دادن به درس در کلاس اخذ می کند، گاه می تواند وسیله ای برای کشف مشکل دانش آموز به حساب آید، مثلاً دانش آموزی که همیشه در سر کلاس نمرات خوبی کسب می‌کند، و معمولاً نمرات او بالای ۱۶ است چنانچه به یکباره نمرات او تنزل نماید و فرضاً تا حدود یازده و دوازده تقلیل یابد، و این امر در مورد سایر دروس نیز تکرار یابد، بیانگر آن است که دانش آموز با مشکلی مواجه شده است، معلمانی که با دقت وضعیت درسی دانش آموزان را مورد ملاحظه قرار می دهند، نسبت به پیدایش این قبیل تغییرات بسیار حساس می شوند، و از تقلیل نمرات به عنوان نشانه ای که حالت ویژه شاگرد را ترسیم می نماید، بهره می‌گیرند.

ممکن است او دانش آموزی در سنین نوجوانی باشد. و از ارتباط نامشروعی که با دیگری برقرار نموده است در رنج باشد، و مدام سر به جیب تفکر فروبرد و درصدد راه گریزی باشد و یا از ریخته شدن آبروی خود هراسان و نگران باشد، و خلاصه نیازمند به کمک انسان دانایی باشد، که او را از این تنگنای سخت و پیچیده به درآورد. در اینجا نقش معلم و مربی که با شیوه‌های مشاوره

آشنایی دارند، تجلی می کند تا با برخوردی صمیمانه، درصدد کشف علت برآیند، و با کمکهای فکری خود، دانش آموز را از حالت بحران برهاند.

تجربیات متعدد نشان داده است که شاگردان پس از پشت سر گذاشتن حالات بحرانی، از وضعیت درسی بهتری برخوردار گشته اند.

شایان ذکر است که همیشه تقلیل یافتن سریع نمرات دانش آموزان را نباید دلیل بر انحرافات اخلاقی آنها دانست ولی می توان گفت که این امر بیانگر مبتلا شدن دانش آموز به مشکلی خاص است که باید برای آن چاره ای اندیشید. چنانکه انجام ندادن تکالیف درسی و یا نواقص موجود در آنها می تواند نشانه ای از یک مشکل باشد که می بایست در جهت حل آن اقدام شود. و کاهش نمرات درسی در اثر بی توجهی به تکالیف پدید می آید.

میزان توجه به تکالیف درسی

چنین به نظر می رسد که اگر تدریس معلم به خوبی و در فضای فیزیکی و روانی مناسب برگزار شود و دانش آموز جهت فراگیری دروس پیوسته ترغیب و تشویق شود، و نیز دانش آموز از هوش طبیعی و سلامت روانی برخوردار باشد، و ضمن اشتیاق به تحصیل، مشکل خاصی نیز نداشته باشد، طبعاً می بایست تکالیف محوله را انجام دهد.

اما اگر تدریس با کیفیت مناسب و همراه با تشویق و ترغیب انجام شود و دانش آموز نیز در عین دارا بودن سلامت جسمی و روانی و هوش طبیعی و اشتیاق به تحصیل از انجام تکالیف درسی سر باز زند، باید پذیرفت که مشکلی بر سر راه او پدید آمده است که مانع انجام تکالیف وی می گردد.

مثلاً گاه ممکن است که در خانه شرایط مناسبی جهت تهیه تکالیف نباشد، و یا یک عمل انحرافی برای او در قالب یک انگیزه قویتر، توجه او را به سوی خود معطوف دارد. و او در انتخاب بین این عمل و انجام تکالیف، حرکت انحرافی را برگزیند. چنانکه

دانش آموزی که مبتلای به مواد مخدر می شود، به علت کششی که از این بابت در وی پدید می آید، نقشی باز دارنده در راه عمل به تکالیف درسی را برایش به دنبال می آورد.

دانش آموزی که همیشه تکالیف خود را خوب انجام می داده است ولی مدتی است که در انجام آنها دچار سستی شده است کاهش یافتن حجم تکالیفی که باید ارائه نماید، می تواند به عنوان زنگ خطری باشد که معلم را نسبت به وجود مشکلی جدید در رابطه با دانش آموز هشدار می دهد. تکالیف درسی اگر بخش زیادی از ساعات زندگانی دانش آموزان را به خود اختصاص دهد، فرصت چندانی در اختیار آنها باقی نمی ماند که به امور انحرافی بپردازند.

تمهیدات لازم جهت واگذاری تکلیف

برای اینکه تکالیفی که بر عهده دانش آموزان واگذار می شود، به نحو مطلوبی توسط آنان انجام شود، می بایستی زمینه های لازم توسط معلم فراهم شود. که در این خصوص باید معلم امور زیر را مطمح نظر داشته باشد:

چنانچه دانش آموزان ما بر اهمیت انجام دادن عملی واقف شوند، بی شک با انگیزه بیشتری در جهت تحقق آن خواهند کوشید. اگر معلم این امر را به دانش آموزان تفهیم نماید که انجام دادن تکالیفی که به آنان محول نموده موجب فهم بهتر مطالب درسی می شود، سهولت در یادگیری را برای دروس بعدی فراهم می آورد، و تکالیفی که به دانش آموزان می دهد به اهداف مورد نظر جامعه عمل بیوشاند و خود دانش آموزان در عمل آن را تجربه نمایند، قطعاً علاقه و رغبت بیشتری برای انجام دادن آن، از خود نشان خواهند داشت.

۱- تدریس مطلوب

نظر به اینکه تکالیف درسی برای فهم بهتر درس به دانش آموزان محول می شود و دانش آموز آنگاه قادر است که آنها را به خوبی انجام دهد که درس معلم را خوب فهمیده باشد، لازمه این امر آن است که

معلم ضمن آشنا بودن با محتوای کتاب درسی و داشتن تخصص و تبحر، با روشهای مختلف تدریس نیز آشنا باشد. تا موادی که تدریس می کند، توسط دانش آموز ادراک شود. معلم با مورد سؤال قرار دادن برخی از دانش آموزان، متوجه می شود که آیا دانش آموزان درس را فهمیده اند یا خیر. پس نخستین گام در راه انجام دادن تکالیف از سوی دانش آموزان، این است که درسی که معلم می دهد، مطلوب و دلنشین باشد.

۲- جو روانی حاکم بر کلاس

اگر شاگردان در کلاس درس احساس امنیت نمایند، و کلاس آکنده از رعب و وحشت باشد، حتی اگر معلم نیز در امر تدریس مسلط و متبحر باشد و درسی مطلوب نیز ارائه دهد، به دلیل مساعد نبودن فضای روانی حاکم بر کلاس، امکان فراگیری درس از سوی دانش آموزان وجود نخواهد داشت و ناامنی و در پی آن اضطراب، نگرانی، ترس فراگیر، خود مانعی بر سر راه یادگیری خواهد بود. و بالنتیجه تکالیف درسی نیز به خوبی انجام نمی شود.

۳- بیان اهمیت تکالیف درسی

چنانچه دانش آموزان ما براهیت انجام دادن عملی واقف شوند، بی شک با انگیزه بیشتری در جهت تحقق آن خواهند کوشید. اگر معلم این امر را به دانش آموزان تفهیم نماید که انجام دادن تکالیفی که به آنان محول نموده موجب فهم بهتر مطالب درسی می شود، سهولت در یادگیری را برای دروس بعدی فراهم می آورد، و تکالیفی که به دانش آموزان می دهد به اهداف مورد نظر جامعه عمل بیوشاند و خود دانش آموزان در عمل آن را تجربه نمایند، قطعاً علاقه و رغبت بیشتری برای انجام دادن آن، از خود نشان خواهند داشت.

همچنین اگر بیان اهمیت تکالیف همراه با دلسوزی و توأم با محبت و رأفت باشد به نحوی که حاکی از احساس علاقه و دلبستگی معلم به شاگردان باشد، پذیرش

— مشخص و روشن بودن تکالیف

یکی از موانعی که گاه هنگام مربیهای درسی پدید می آید، روشن نبودن کالیفی است که معلم برعهده شاگردان نویش گذاشته است. مبهم بودن وظایف محوله، مانع از انجام دادن درست آنها می گردد، و گاه به دلیل عدم درک درست، شاگردان از انجام دادن آن سرباز می زنند، یا نمی دانند که منظور معلم از دادن این تکالیف چه بوده و وی چگونه باید آنها را انجام دهد. برخی از معلمان در دوره ابتدایی پس از اینکه تکالیف درسی را مشخص می کنند، درباره نحوه انجام دادن آن نیز به خوبی صحبت می کنند تا ابهامی باقی نماند، و آنگاه برای جلوگیری از فراموشی شاگردان، میزان آن را بر روی تخته سیاه می نویسند و به شاگردان توصیه می کنند که آن را در دفاتر خویش ثبت کنند و در پایان کلاس نیز از دانش آموزان می پرسند که اگر کسی متوجه نشده است سؤال کند.

قطعاً شاگردی که نوع و میزان تکلیف خواسته شده از سوی معلم را بفهمد و بداند، بهتر از آن کسی که التفاتی به آن نداشته، قادر است آنها را به انجام رساند.

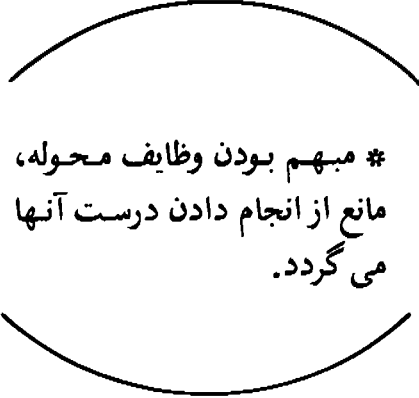
۵- رعایت تواناییها

گاه تمام شرایط ذکر شده متحقق می گردد، ولی عدم آشنایی معلم با میزان توانایی دانش آموزان موجب آن می شود که آنها وظایف محوله را انجام ندهند، و مدام مورد سرزنش معلم قرار بگیرند که این امر از نظر روانی اثرات نامطلوبی در پی خواهد داشت.

قدرت عمل به تکالیف، به تناسب با افزایش سن آدمی افزون می شود. پس دانش آموزان دوره دبستان و به خصوص دانش آموزان پایه های اول تا سوم، نمی توانند تکالیف سنگین و پر حجمی که توان زیادی می طلبد، برعهده بگیرند، بخصوص و مهم

آنکه مصداق این امر دانش آموزانی هستند که تازه وارد محیط مدرسه شده اند. دادن تکالیف بیش از حد به آنها، از همان ابتدا گاه زمینه انحراف ایشان را فراهم می آورد.

کودکی که هنوز دستش با قلم آشنا نشده و بسختی آن را در دست می گیرد، و



مبهم بودن وظایف محوله، مانع از انجام دادن درست آنها می گردد.

هنوز نمی تواند حروف را صحیح و زیبا بنویسد، دادن تکالیفی پر حجم و بیش از اندازه او را تحت فشار قرار می دهد، در واقع او را به مساعدت خواستن از دیگران سوق می دهد. بارها دیده شده است که این گونه دانش آموزان از والدین خویش خواسته اند که بخشی از تکالیف محوله را ایشان انجام دهند. والدین نیز بدون توجه به عواقب این گونه امور، و به جای تذکره به معلمان مبنی بر دادن تکلیفی متناسب با سن دانش آموز، همت در نوشتن مشق کودک می نمایند، و خود و کودک هر دو هراسناک از آنند که مبادا معلم دریابد که مطالب با دو خط جداگانه نوشته شده است. و کودک تا زمانی که معلم تکلیف او را می بیند، مدام در ترس و دلهره بسر می برد. و چه بسا موضوع کشف شود و موجب هتک حرمت دانش آموز و مساعدت کنندگان وی گردد. و یا دانش آموز برای فرار از تنبیه و سرزنش معلم به دروغ گفتن توسل جوید.

پس تکلیف درسی در صورتی که متناسب با قدرت و توان دانش آموزان باشد، موجب افزایش فهم وی می گردد، نقش

سازنده ای را برای او ایفا می نماید و محول نمودن تکالیف بیش از حد، موجب بروز انحراف در مسائل اخلاقی وی می گردد، و از همان ابتدا دانش آموز را به دروغ گفتن و به کاربردن حيله و روش بهره برداری از فریب و نیرنگ آشنا می کند. چنانکه بارها دیده شده است که دانش آموزان پایه اول به علت مشق سنگینی که برعهده آنها گذاشته می شود. عملاً مبادرت به جا انداختن برخی از قسمت های متن درسی می نمایند، و یک سطر در میان می نویسند و کلی از مطالب درسی را رها می کنند.

از سویی حجم زیاد تکالیف، گاه دانش آموز را در پایه های پایین به رونویسی بدور از درک مطلب می کشاند، و تلاش شاگرد آن است که رفع تکلیف نماید نه ادراک آن.

تکالیف بیش از حد، موجب دلزدگی دانش آموزان از درس و گاه به «بیزاری از مدرسه» و یا موجب بدبینی به معلم و گاه «فرار از مدرسه» منجر می شود.

روان کودک نیز به هنگام انجام دادن فعالیتهای طاققت فرسا صدمه می بیند، به این ترتیب طراوت و نشاط کودک در اثر این گونه فشارها از بین می رود و او را دچار خمودگی می نماید.

با توجه به رشد کودکان و گسترش تواناییهای جسمی و ذهنی آنها، می توان تکالیف درسی را افزایش داد. ولی هرگز نباید با تکالیف بیش از حدی که به کودکان واگذار می نمایم، موجبات طغیان و انحراف آنان را پدید آوریم. ضمناً نظرخواهی از دانش آموزان نیز می تواند تا حدودی راهگشا باشد.

۶- جذابیت بخشیدن به تکالیف

معلم با کمی صرف وقت می تواند به تکالیف درسی جذابیت ببخشد، به نحوی که شاگردان اشتیاق بیشتری جهت انجام دادن آنها از خود نشان دهند، فی المثل برای واگذاری تکلیف درسی، به جای آنکه

گفته شود که تمام هشت مسأله‌ای که مشابه هم هستند حل شود، می‌توان تعداد پنج مسأله از آنها را. آنهم براساس انتخاب خود شاگرد به او واگذار نمود. اگر دانش آموز احساس کند که حق دارد که در منزل از میان هشت مسأله، تعداد پنج مسأله را بنا بر انتخاب خود، برگزیند، علاقه بیشتری ابراز می‌نماید، تا آنگاه که مجبور باشد کل آن مسائل را حل نماید. و یا اگر نمرات دیکته دانش آموزی معمولاً در حد بالا قرار دارد، برای تشویق او گاه می‌توان به جای تکلیف درسی، تصحیح برخی از دیکته‌های دانش آموزان را به او محول نمود، زیرا که به هنگام تصحیح، او کلمات را مرور می‌نماید، کلمات غلط را مشخص کرده و صحیح آنها را می‌نویسد، و این خود نوعی یادگیری است و یا برای تشویق این گونه افراد می‌توان تکالیف کمتری از ایشان خواست، تا این مر موجب تشویق دیگران به فرا گرفتن بهتر درس شود، مثلاً اگر دانش آموزان بدانند که چنانچه نمره دیکته آنان نوزده و بیست شود، آنها باید به جای دو مشق، یک مشق بنویسند، تلاش خواهند نمود که با خواندن بهتر درس، نمره خوبی بگیرند.

روشهایی که می‌توان برای جذابیت تکالیف درسی مطرح نمود متنوع است و معلم با اندیشه کردن می‌تواند به بسیاری از آنها دست یابد.

۷- بررسی دقیق تکالیف

اگر تکالیف محوله به خوبی مورد بررسی قرار گیرند، دانش آموزان به اجرای بهتر آنها تن در می‌دهند، دقت معلم در گرفتن تکلیف، آنها را به دقت در هنگام اجرا ملزم می‌سازد.

معلمی که قلم در دست گرفته و حتی بدون خواندن یک کلمه از مشقی که دانش آموز برای نوشتن آن زحمت‌زایی کشیده است، فقط روی صفحات آن خط می‌کشد، در واقع بی‌دقتی خود را برای

شاگردان ترسیم می‌نماید و چه بسا که در مواقعی، به جای مشق شب فرضاً انشا به معلمی عرضه شود و او با عدم بررسی، با قلم خود خطی بر آن بکشد و موجبات مسرت یا نیشخند دانش آموزان را فراهم آورد. بی‌دقتی در ارائه تکالیف و بازپس‌گیری آن نیز موجب انحراف را می‌تواند پدید آورد. دقت معلم می‌تواند دانش آموزی را که تازه راه نیرنگ زدن را آموخته است، به مسیر درست هدایت نماید و با ذکر ایرادها که خود بیانگر هوشیاری معلم است او را بر اشتباه خویش نیز واقف سازد.

برخی از معلمین نیز تکالیفی به دانش آموز واگذار می‌نمایند، اما حوصله

● هرگز نباید با تکالیف بیش از حدی که به کودکان واگذار می‌نماییم، موجبات طغیان و انحراف آنان را پدید آوریم.

بازپس‌گیری و کنترل آن را ندارند، این امر موجب دلسردی دانش آموزان در انجام وظایف محوله می‌گردد.

به این ترتیب بازپس گرفتن دقیق تکالیف نیز ضامن اجرای تکالیف محول شده است.

۸- نقش تشویق و تنبیه

برخی از معلمان به هنگام بررسی تکالیف انجام شده، با همه دانش آموزان یکسان و یکنواخت برخورد می‌کنند، یعنی آنکه تکلیف خود را خوب نوشته است، مورد تشویق قرار نمی‌دهند. و آنکه که وظیفه خود را به خوبی انجام نداده است، مورد مذمت واقع نمی‌شود. این بی‌توجهی به تشویق

و تنبیه، و تفاوت قائل نشدن بین دانش آموزان و طبقه‌شناسی و افراد بی‌توجه به وظیفه، موجب بی‌علاقگی افراد تلاشگر را در پی خواهد داشت. و موجب کاهش انگیزه آنان در اجرای تکالیف می‌گردد.

درحالی که تشویق‌های لفظی معلم به هنگام بازپس‌گیری درس، بسیار مؤثر خواهد بود و ثبت اسامی آنها که به خوبی از عهده وظایف محوله برآمده‌اند و در نظر گرفتن نمره‌ای برای تشویق آنان، موجبات دلگرمی ایشان را فراهم می‌آورد.

۹- توجیه والدین

برخی از دانش آموزان بدون داشتن نیاز به توجیه والدین، خود به انجام تکالیف درسی مبادرت می‌نمایند. ولی این به آن معنا نیست که آنها نباید از توجیه والدین برخوردار باشند، نظارت والدین بر اینگونه افراد و تشویق آنها، راه ادامه تحصیل را برای آنان هموار می‌نماید. و در صورت داشتن اطلاعات، می‌توانند به فرزند خویش کمک‌های فکری بنمایند، اما دسته دیگری از دانش آموزان جز با نظارت مستمر و دقیق والدین و تذکرات مکرر و بازخواست‌های آنان کمتر به انجام دادن تکالیف درسی اشتیاق نشان می‌دهند، اطلاع والدین از میزان تکالیفی که بر عهده آنان نهاده می‌شود. و مساعدتهای فکری آنان، به بهبود کیفی تکالیف دانش آموزان می‌انجامد. معلمین و اولیای مدرسه می‌توانند در جلسات انجمن اولیا و مربیان نسبت به آشنا نمودن والدین با شیوه‌های نظارت و مساعدت اقدام نمایند.

اگر چه می‌توان مطالب مبسوط دیگری را جهت انجام گرفتن بهتر تکالیف مطرح نمود ولی در اینجا به همین مقدار بسنده می‌نماییم.

باورفی:

۱- توجه خوانندگان محترم را به تحقیق انجام شده در زمینه بهره‌کارهای دانش آموزان که در بخش روانی-اجتماعی نخست وزیری صورت گرفته است معطوف می‌نمایم.